دین و کرامت انسان

به بهانه ۱۴ مرداد، روز «حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی»

مهدی پورحسین

چهاردهم مردادماه در تقویم رسمی کشور به نام روز «حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی» نام‌گذاری شده است. امروزه معمولا هر کس بخواهد از حقوق بشر و یا کرامت انسان سخن بگوید، به اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد می‌کند و گاهی به عنوان تنها سند کرامت انسان، به آن افتخار می‌شود. این استناد اگرچه در جای خود درست و قابل قبول است اما واقعیت اینست که بسیاری از حقوق انسانی و کرامت بشری پیش از آن که در اعلامیه‌هایی مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر بازتاب یابد، در آموزه‌ها و متون دینی آمده است و همه این آموزه‌ها نیز به «جایگاه انسان» در دین باز می‌گردد. با مقایسه تعالیم سه دین اصلی الهی یهودیت، مسیحیت و اسلام درباره جایگاه انسان، به وضوح نمایان می‌شود که اسلام به مراتب، شفافیت بیشتری درباره بلند مرتبگی انسان در نظام خلقت دارد و این دین که خاتم ادیان الهی می‌باشد، آدمی را بیش از دیگر ادیان گرامی داشته است. قرآن که بر خلاف عهدین کلام مستقیم خداوند و مصون از هر گونه دخل و تصرف و تحریف است، در گام نخست، به صراحت روح انسان را خدایی و افاضه ازسوی او می‌شمارد که موجب کرنش فرشتگان شده است: «وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائکَةِ إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ؛ فَإِذا سَوَّیْتُهُ وَ نَفَخْتُ فیهِ مِنْ رُوحی فَقَعُوا لَهُ ساجِدینَ» (حجرات، ۲۸-۲۹).

خلقت زیبای انسان و دمیدن روح الهی در او، نه تنها موجب سجده ملائک شده است، بلکه انتظار این است که خلقت نیکوی او از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر، موجب سپاس خود انسان‌ها باشد: «الَّذی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طینٍ؛ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ ماءٍ مَهینٍ؛ ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فیهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلیلاً ما تَشْکُرُونَ» (سجده، ۷-۹).

در گام دوم، خداوند متعال، انسان را جانشین خود در زمین معرفی کرده و می‌فرماید: «وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائکَةِ إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلیفَةً قالُوا أَ تَجْعَلُ فیها مَنْ یُفْسِدُ فیها وَ یَسْفِکُ الدِّماءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ قالَ إِنِّی أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۳۰).

معلوم است که در نگاه دینی که خداوند متعال، نه تنها در رأس هرم هستی، بلکه هستی مطلق است، مقام جانشینی خدا در زمین، منصبی است که با هیچ سمتی در این دنیا هماوردی نمی‌کند، چرا که اساسا مقام خلافت همان‌طور که از نام آن پیداست، تمام نمی‌شود مگر به اینکه خلیفه نمایش‌گر مستخلف باشد، و تمامی شئون وجودی و آثار و احکام و تدابیر او را که بخاطر تامین آنها خلیفه و جانشین برای خود معین کرده، حکایت کند (طباطبایی، ۱۱۵/۱) چنان که نباید تصور شود که این مقام ویژه، تنها برای حضرت آدم که یکی از انبیای الهی بوده است، می‌باشد، و یک مقام اعطایی و تفضل از ناحیه آفریدگار به یک بنده خاص او می‌باشد، بلکه از مجموعه آموزه‌های قرآن بر می‌آید، که خدای تعالی علم الهی مورد اشاره در آیه را در نهاد همه انسان‌ها به ودیعه سپرده، بطوری که آثار آن ودیعه، بتدریج و بطور دائم، از این نوع موجود سر بزند، هر وقت بطریق آن بیفتد و هدایت شود، بتواند آن ودیعه را از قوه بفعل در آورد» (همان، ۱۱۶/۱).

بنابر این، دو رکن اساسی در خلقت انسان، یعنی دمیده شدن روح الهی در او، و نیز جانشینی خداوند در زمین، در اسلام نیز بیش از دو دین ابراهیمی دیگر مورد تأکید است و لذا در یک نگاه کلی می‌توان گفت اسلام، انسان را گل سرسبد هستی قرار داده و او را بر دیگر مخلوقات خداوند، حاکم ساخته است. البته که این دو ویژگی مهم در انسان، با هم مرتبط و به گونه‌ای مکمل هم می‌باشند. ارتباط این دو، بدین صورت قابل تبیین است که انسان برای مأموریتی مهم، که جانشینی خدا بر روی زمین است، خلق شده و این مأموریت نیاز به روحی بلند دارد و به همین جهت خداوند از روح خود در او دمیده است تا مأموریت والای او قابل تحقق باشد (ر.ک، سلیمانی، ۴۴).

ناگفته نماند که جایگاه انسان در اسلام، فراتر و فراخ‌تر از آن است که در این دو ویژگی خلاصه گردد. بر خلاف تورات و انجیل که به صورت گذرا بر جایگاه رفیع انسان در نظام خلقت تأکید کرده‌اند، قرآن در آیات فراوانی جایگاه انسانی را تبیین کرده است. با مروری بر آیات قرآن، افزون بر روح الهی و جانشینی خدا، ویژگی‌های زیر را می‌توان برای آدمی برشمرد.

۱. دارای بهترین صورت خلقت است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فی أَحْسَنِ تَقْویمٍ» (تین، ۴). «ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبارَکَ‌الله أَحْسَنُ الْخالِقین (مؤمنون، ۱۴).

۲. امانت‌دار الهی است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولا» (احزاب، ۷۲).

۳. مسلط بر طبیعت است: «الَّذی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ فِراشاً وَ السَّماءَ بِناءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزْقاً لَکُم (بقره، ۲۲). «أَ لَمْ تَرَوْا أَنَّ‌الله سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْض (لقمان، ۲۰).

۴. دارای علم و آگاهی است: «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ کُلَّها (بقره، ۳۱) «بَلِ الْإِنْسانُ عَلی نَفْسِهِ بَصیرَةٌ وَ لَوْ أَلْقی مَعاذیرَهُ (قیامت، ۱۵-۱۴).

۵. قدرت شناخت خوب و بد را دارد: «وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها (شمس، ۸-۷). «وَ هَدَیْناهُ النَّجْدَیْن» (بلد، ۱۰).

۶. موجودی انتخاب‌گر است: «إِنَّا هَدَیْناهُ السَّبیلَ إِمَّا شاکِرًا وَ إِمَّا کَفُورًا (انسان، ۳)».

۷. دارای فطرتی پاک و خداجو است: «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنیفاً فِطْرَتَ‌الله الَّتی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ‌الله ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰).

۸. دارای استعدد کمال‌یابی است: «یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقیه» (انشقاق، ۶). «یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعی إِلی رَبِّکِ راضِیَةً مَرْضِیَّةً فَادْخُلی فی عِبادی وَ ادْخُلی جَنَّتی» (فجر، ۳۰-۲۸).

۹. دارای وجدان اخلاقی است: «لا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیامَةِ وَ لا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَة» (قیامت، ۲-۱).

۱۰. مخلوق برگزیده خدا است: «ثم اجْتَباهُ رَبُّهُ فَتابَ عَلَیْهِ وَ هَدی» (طه، ۱۲۲).

استاد شهید مطهری نیز با نگاهی به مجموعه آیات قرآن، ابعاد گوناگون وجودی انسان را در نگاه اسلام، این گونه بیان کرده است که از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده از طرف خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادّی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلّط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شرّ، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می‌شود و به سوی قوّت و کمال سیر می‌کند و بالا می‌رود، امّا جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی‌گیرد، ظرفیّت علمی و عملی‌اش نامحدود است، از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است، احیانا انگیزه‌هایش هیچ گونه رنگ مادّی و طبیعی ندارد، حقّ بهره‌گیری مشروع از نعمتهای خدا به او داده شده است ولی در برابر خدای خودش وظیفه‌دار است» (مجموعه آثار، ۲۷۲/۲).

***با مقایسه تعالیم سه دین اصلی الهی یهودیت، مسیحیت و اسلام درباره جایگاه انسان، به وضوح نمایان می‌شود که اسلام به مراتب، شفافیت بیشتری درباره بلندمرتبگی انسان در نظام خلقت دارد و این دین که خاتم ادیان الهی می‌باشد، آدمی را بیش از دیگر ادیان گرامی داشته است**

بدیهی است جایگاه بلند انسان در خلقت، خود به خود اقتضائاتی را ایجاد می‌کند، که یکی از عرصه‌های آن، قانون‌گذاری و تعیین مقررات زیست اجتماعی برای این موجود برتر است و معنا ندارد که این موجود، در اصل آفرینش، به خاطر انتساب به وجود مطلق هستی از راه افاضه روح الهی و خلقت تام، کامل و برتری جویانه‌ای که از ناحیه حق به او ارزانی شده است، «عزیز» و «گرامی» باشد، اما در عرصه قانون‌گذاری که اتفاقاً بستری برای شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های درونی همین موجود و رفع موانع پیشرفت و تکامل او است و ازسوی همان خدای کرامت‌بخش طراحی شده است، مورد بی‌مهری قرار گیرد و بی‌جهت موجه و عقلایی، تحقیر گردد.

دوگانه قرآن درباره مقام انسان

نکته قابل توجه در باب نگاه اسلام به انسان آن است که آیات قرآن برای بیان مقام انسانی یک‌دست نیست و در برابر آیات زیاد ستایش آمیز درباره مقام انسان که در این فرصت مورد استناد می‌باشد، تعبیرات مذمت آمیز نسبت به انسان نیز در برخی از آیات قرآن به چشم می‌خورد، از قبیل «إِنَّ الْإِنسَانَ لَکَفُور» (حج، ۶۶) «إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ کَفَّار» (ابراهیم، ۳۴) «کَانَ الْإِنسَانُ عَجُولا» (اسراء، ۱۱) «خُلِقَ الْإِنسَانُ مِنْ عَجَل» (انبیاء ۳۷) «إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَ إِذَا مَسَّهُ الخَیْرُ مَنُوعًا (معارج، ۱۹-۲۱) «وَ کَانَ الْإِنسَانُ قَتُورًا» (اسراء، ۱۰۰) «لَا یَسْمُ الْإِنسَنُ من دُعَاءِ الْخَیْرِ وَ إِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَیَئُوسٌ قَنُوط» (فصلت، ۴۹) «کَلاَّ إِنَّ الْإِنسَانَ لَیَطْغَی، أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنی»(علق، ۶-۷) «وَ خُلِقَ الْإِنسَنُ ضَعِیفًا» (نساء ۲۸) «وَ کَانَ الْإِنسَانُ أَکْثَرَ شَیْءٍ جَدَلا» (کهف، ۵۴) إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِ لَکَنُود» (عادیات، ۶) «وَ تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (فجر، ۲۰) و «أَلْهَئکُمُ التَّکَاثُر» (تکاثر، ۱).

درباره این آیات دو نکته، حائز اهمیت است. نخست آن که به نظر می‌رسد، دسته‌ای از این آیات مثل آن که انسان «ناسپاس»، «ستمگر»، و «هنگام بدی بی‌تاب و هنگام خوبی بخل ورز» است، ناظر به جنبه ارادی شخصیت انسان باشد که در مقام عمل و حوادث زندگی بروز می‌یابد. بنابراین، چون در حوزه اراده و اکتساب قرار می‌گیرد، جنبه ارزشی پیدا می‌کند و ارتباطی با کرامت ذاتی ندارد. در این نگاه، حتی تعبیراتی مثل «خُلِقَ الْإِنْسانُ ضَعیفاً»، که در نگاه اولیه، مربوط به تکوین و ذات ضعیف انسان به نظر می‌رسد، به ضعف اراده انسان در برابر گرایش‌های غریزی و پیروی از شهوات اشاره دارد که مانع کمال‌یابی انسان شده و دستیابی به مراتب عالی کرامت ارزشی را برای وی دشوار می‌سازد.

نکته دوم و دقیق‌تر آن که با فرض این که همه این اوصاف به طبیعت و ذات انسان برگردد که البته برخی از آنها قطعا این چنین است، لازمه طبیعت و ذات انسانی است که او را با دیگر موجودات از جمله حیوانات از یک سو و فرشتگان ازسوی دیگر، متمایز می‌سازد. اساساً در مهندسی خلقت، انسانیت انسان به این است که دارای استعدادهای مختلف و گاه متضاد باشد تا دو گونه کشش درونی در وی ایجاد شده و انتخاب‌گری وی توجیه گردد. اگر نبود کشش‌های متضاد درونی در انسان، معنا نداشت که انسان میان انتخاب خیر و شر و یا بد و خوب مختار باشد. قرآن کریم در این زمینه تصریح دارد: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلیه» (انسان، ۲) و می‌فرماید ما انسان را از نطفه‌ای آفریدیم که در آن مخلوط‌های زیادی وجود دارد و مقصود این است که استعدادهای زیاد و متنوعی در ژن‌های بشر تعبیه شده و به همین خاطر است که مورد آزمایش و امتحان قرار می‌گیرد. لذا این اوصاف، نه تنها مخالفتی با عظمت و کرامت انسان ندارد، بلکه هریک از آنها در جای خود خیر محض برای انسانیت انسان و شکل دهنده به ذات اوست. به عبارت دیگر، اصل وجود این استعدادها که لازمه ماهیت انسان است و ازسوی خداوند متعال در نهاد انسان قرار داده شده است، نمی‌تواند ازسوی خدای تعالی مورد مذمت قرار گیرد، بلکه آنکه مورد نکوهش است متوقف شدن در این استعداها و یا استفاده نابجا از آنها است. بنا براین، اگر انسان دارای استعداد و قوه «حرص و آز» و یا «بخل» است و یا «شتابگر و عجول» آفریده شده است، برای وی خیر و برای کمال‌یابی او لازم است. اما زمانی صفت ذم و نکوهش به خود می‌گیرد که از مسیر واقعی خود منحرف شده و در خدمت اوصاف شیطانی قرار گیرد. از اینجا است که انسان با داشتن این استعدادها، می‌تواند با حسن اختیار خود، راه خیر را در پیش گیرد و به اعلی علیین برسد و یا با سوء اختیار، راه شر را بپیماید و در اسفل‌السافلین مأوی گزینند.

برتر بودن انسان در نظام هستی بدان معنا نیست که در همه جهات و حیثیات کامل است و هیچ کاستی در وجود انسان وجود ندارد بلکه معنایش این است که انسان اگر چه در تکوین و داشته‌های وجودی به صورت مجموع، بر دیگر موجودات برتری دارد، ولی در عین حال یک مخلوق طبیعی است و به حکم طبیعی بودن، دارای کاستی‌هایی چون حریص، بخل، ناسپاسی و ستمگری است که باید در مسیر کمال بدان‌ها توجه نماید.

بنا براین، این مدح و ذمّها در قرآن، از آن رو نیست که انسان یک موجود دو سرشتی است، نیمی از سرشتش ستودنی است و نیم دیگر نکوهیدنی است، بلکه نظر قرآن این است که انسان همه کمالات را بالقوّه دارد و باید آنها را به فعلیّت برساند و این خود اوست که باید سازنده و معمار خویشتن باشد (ر.ک، مطهری، مجموعه آثار، ۲/ ۲۷۳). پس، انسان در ناحیه خوی و خصلت‌ها، موجودی بالقوه است و بر خلاف حیوانات که هریک با برخی ویژگی‌ها متولد می‌شوند، انسان چون از یک سو فاقد هرگونه خصلت و ازسوی دیگر خصلت‌پذیر است، به وسیله ویژگی‌هایی که به تدریج پیدا می‌کند، علاوه بر ابعاد فطری، یک سلسله «ابعاد ثانوی» نیز برای خویش می‌سازد. امام‌خمینی نیز در مقام یک عارف، در برخی از آثار خود به روشنی این دوگانگی در انسان را تشریح کرده است، بدین صورت که چون فطرت انسانی به دست قدرت جمال و جلال حق تعالی به عرصه وجود رسیده و از عالم طهارت و قدس نازل شده است، در آغاز خلقت، نورانی، صیقلی و تبعاً حق طلب است، برای این که از نظر فلسفی ثابت است که علم و عالِم و معلوم باید با هم متناسب باشد و خلقت انسان نمی‌تواند با وجود مطلق بی‌تناسب باشد ولی همین فطرت نورانی، اگر از روحانیّت خود دور شد و به واسطه اشتغال به عالم طبیعت، ظلمانی گردید و سلطنت شهوت، جهل، غضب و شیطنت بر آن غلبه کرد، با عالم شیطانی متناسب شده و آنچه از عالم نور و طهارت و قدس است در ذائقه او تلخ و در سامعه‌اش سنگین و ناگوار می‌آید. بنابراین، انسان‌های ظلوم و جهول، کسانی هستند که غبار شک و شبهه و کدورت تردید، در دلهای سخت آنها به طوری نشسته که اَن فطریات خود غفلت کرده و در برابر ضروریات و واضحات عقل خاضع نشوند، «قُتِلَ الْإِنْسانُ ما أَکْفَرَهُ» (ر.ک شرح حدیث جنود، ۱۱۶-۱۱۷). و این شخصیت ثانوی همان است که ما در این مقام از آن به کرامت اکتسابی یاد می‌کنیم، نه کرامت ذاتی.

همگرایی نخبگان، ضرورت امروز

نگاه اجمالی به وضعیت ایران امروز نشان می‌دهد کشور ما در تمامی ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی شرایط دشواری را سپری می‌کند. در این میان، جنگ‌های پیاپی تحمیلی که اینک به جنگ موجودیت جمهوری اسلامی تبدیل شده است نیز، مشکلات روزافزونی را بر جامعه تحمیل کرده است که جز با همراهی همه ایرانیان، به ویژه همگرایی نخبگان قابل حل نیست. تجربه پنجاه سال گذشته نشان داده است که اگر مردم، به ویژه خواص جامعه متحد و همگرا باشند، دشمنان کاری از پیش نخواهند برد و در واقع پیروزی دشمن تنها از طریق شکستن وحدت میان مردم و نخبگان محتمل خواهد بود. در این شرایط نخستین اشتباه آن هم ازسوی نخبگان جامعه، آخرین اشتباه خواهد بود و کشور را به فنا خواهد داد. اگر رهبر این انقلاب و نظام امام‌خمینی است که هست و انقلاب ایران بی‌نام ایشان در هیچ جای دنیا شناخته شده نیست، امام خمینی برای اداره جامعه یک راهبرد اساسی داشت و آن این که بر وحدت و همگراهی همه نخبگان کشور تأکید ویژه داشت. بررسی اندیشه سیاسی و سیره عملی امام نشان می‌دهد از نگاه ایشان رسیدن به قله عزت جز از طریق وحدت و همگرایی نخبگان و هادیان جامعه میسر نیست. در این نگاه، در صورتی که برگزیدگان ملت و الگو دهندگان اجتماعی با هم متحد باشند، عامه مردم هم از آنان تبعیت خواهند کرد و هنگامی که بند همگرایی نخبگان از هم گسسته شود، تشتت اختلاف و در نهایت واگرایی اجتماعی پدید خواهد آمد، و نه تنها به آبادانی و پیشرفت کشور منجر نخواهد شد، بلکه هر روز بر معضلات کشور می‌افزاید و موجودیت کشور را در معرض تهدید قرار خواهد داد.

تردیدی نیست که الگو دهی و ساختار سازی جامعه به عهده اقلیت نخبگان است که گروه‌های مرجع را تشکیل می‌دهند و عزت و اقتدار جامعه یا ذلت و انحطاط آن به دست آنان رقم می‌خورد. لذا برای بررسی تحولات اجتماعی و رفتارهای جمعی راه صحیح این است که رفتار راهبران فکری جامعه مورد مداقه قرار گیرد و برای خارج شدن از مشکلات جامعه نیز، رفتار نخبگان جامعه زیر نظر باشد. اگر هادیان جامعه‌ای بر صلاح باشند و مشکلات درونی خود را با راهکارهای عقلانی حل کنند، قطعا عامه مردم نیز برهمان طریق خواهند بود و بر مشکلات خود فائق خواهند آمد و اگر آنان بر طریق فساد باشند، جامعه‌ای که از آنها الگو می‌گیرد رستگار نخواهد شد. و این همان تفسیر روایتی است که می‌فرماید: «اذا فسد العالم فسد العالم» که شامل همه کسانی است که نقش هدایت و رهبری فکری و فرهنگی جامعه را بعهده داشته مردم از آنان تأثیر می‌پذیرند، چنانکه شامل همه گروه‌هایی که نقش تأثیر گذار در جامعه دارند نیزمی‌شود. حضرت امام نیز باتوجه دقیق به این کارکرد نخبگان در هم گرایی یا واگرایی جامعه، به عنوان یک نمونه معتقد بودند: «اگر در صنف ما (رهبران فکری) اختلاف پیدا بشود این اختلاف به بازار هم کشیده می‌شود، به خیابان هم کشیده می‌شود، برای اینکه شما هادی مردم هستید، مردم توجه دارند. قهرا یک دسته دنبال شما یک دسته دنبال آن کسی که با شما مخالف است و یک وقت می‌بینید که در همه ایران یک اختلافی از ناحیه ما پیدا شده است.»

از این رو، حضرت امام‌خمینی ضمن این که به وحدت همه گروه‌ها و طبقات اجتماع توجه داشته‌اند، عنایت ویژه‌ای داشتند که برای انسجام جامعه نخبگان را به وحدت وا دارند و در دیدگاه ایشان وحدت متفکران روشنفکران و عالمان دین بعنوان مرزبانان فرهنگ و سیاست به انسجام و وحدت جامعه منجر خواهد شد و به رفع مشکلات می‌انجامد. به همین منظور است که امام به وحدت و همگرایی دو قشر دانشگاهی و روحانی بعنوان سمبل گروه‌های مرجع در جامعه و مصداق بارز نخبگان اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند و این امر یکی از دغدغه‌های مهم حضرت امام در طی ۲۵ سال مبارزه جدی و رهبری نظام اسلامی به حساب می‌آید، بطوری که جدایی این دو قشر در دوره ستم شاهی را یک توطئه از پیش طراحی شده می‌دانند و از آنجائی که دشمن به کار کرد دو قشر متفکر جامعه و همگرایی آنها در پیشرفت کشور پی برده است هنوز هم این توطئه را ادامه می‌دهد: «الان توطئه است برای اینکه شماها را از هم جدا کنند دو قشر برادر را با هم مخالف کنند دو قشر مغز متفکر را از هم جدا کنند اگر از هم جدا بشوید نه آنها ازشان کار می‌آید نه شما».

در منش سیاسی حضرت امام همگرایی نخبگان نه بعنوان یک تاکتیک سیاسی و زود گذر، بلکه برگرفته از روح تعالیم دینی بعنوان یک راهبرد منطقی برای رشد و ترقی واقعی جامعه دینی محسوب می‌شود با این نگاه اگر این نهضت یک خاصیت بیشتر نداشت که بین نخبگان جامعه همگرایی ایجاد شده است، همین برای یک انقلاب کافی بود. از این رو، امام همواره نگران این بودند که مبادا افراد یا گروه‌هایی این ثمره شیرین و بی‌بدیل انقلاب اسلامی را به باد فنا سپرده هلاکت ملت و کشور را رقم زنند و اصرار داشت که «من به شما و تمام نسل‌هایی که بعد از شما و ما خواهند آمد، هشدار می‌دهم که ملت و روحانیت دانشگاهی و روحانیت از هم جدا نشوند که جدا شدن اینها از هم هلاکت ملت و هلاکت اسلام و هلاکت کشور است». بنابراین، در نگاه معمار انقلاب اسلامی، بلکه در نگاه هر انسان عاقلی، تداوم انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و حتی نظام اجتماعی، در تداوم وحدت و همگرایی بین طبقات متفکر جامعه نهفته است و برای برون رفت از مشکلات نیز، هیچ راهی غیر از این وجود ندارد. تردیدی نیست که این نظام اسلامی دست آورد قرن‌ها مجاهده و مبارزه و ثمره خون‌های پاکی است که برای آن نثار شده است. لذا حفظ و حراست از این دست آورد ذی قیمت، تکلیف همه کسانی است که دل در گرو دین و اعتلای اسلام دارند. طبیعی است که رویکرد امام به «همگرایی» به ویژه وحدت نخبگان که به تعبیر آن حضرت ائتلاف آنها ائتلاف ملت است به عنوان رمز استمرار حکومت دینی و جمهوری اسلامی رویکردی تکلیفی و وحدت وظیفه‌ای شرعی باشد. لذا به ویژه با شرایطی که جامعه امروز ما دارد، هیچ کس و هیچ جریانی نباید فکر کند که به تنهایی می‌تواند کشور را به خوبی اداره کند و بر مشکلات آن فائق آید.

عجیب آن که در این شرایط ویژه و جنگی که نظام و کشور سپری می‌کند، برخی از فعالان سیاسی و تریبون‌داران، این امر بدیهی را درک نمی‌کنند و هر روز و به هر شیوه ممکن بر طبل اختلاف و دوگانگی می‌دمند و در صفوف مردم تفرقه ایجاد می‌کنند. و تأسف بارتر آن که برخی نهادهای رسمی که در این شرایط، انتظار بیشتری از آنها می‌رود نیز، هنوز این ضرورت را درک نکرده و گاه خود محرک برخی اختلافات می‌شوند. اصلا امر پیچیده و غیر قابل درکی نیست که شرایط فعلی، مناسب دارو درفش، مجازات‌های سنگین، اعدام‌های غیر شفاف، تحت فشار قرار دادن طیفی از نخبگان جامعه نیست و برای خالی کردن عقده‌های جناحی در تریبون‌های رسمی و رسانه‌های جمعی و انگ زدن و از صحنه خارج کردن سرمایه‌های اجتماعی نیز وقت بسیار است! اگر دغدغه منافع ملی، حفظ موجودیت کشور و نظام و حراست از مردم در میان باشد، همه امور اختلافی را می‌توان با ایثار و از خودگذشتگی به وقت مناسب خود موکول کرد و فعلا وحدت و همگراهی و انسجام اجتماعی را در اولویت اصلی قرار داد تا کشور از این گردنه خطرناک عبور نماید.

آگهی مناقصه

نیروی هوایی

یکی از یگان‌های نهاجا در نظر دارد جهت سرویس ایاب و ذهاب کارکنان خود تعدادی مینی‌بوس و اتوبوس اجاره نماید. شرکت‌هایی که تمایل به همکاری دارند به مدت ۳ روز اداری پس از انتشار آگهی جهت دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

– نهاجا در رد یا قبول کلیه پیشنهادها مختار است.

– هزینه چاپ آگهی برعهده برنده مناقصه می‌باشد.

– شماره‌های تماس: ۴۴۵۲۹۹۹۹

روابط عمومی نیروی هوایی ارتش

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۱۵۴۵ مورخ ۱۴۰۵/۳/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت‌آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای پیمان احمدوند فرزند نادر بشماره شناسنامه۴۱۲۰۳۴۴۵۲۵ صادره از بروجرد در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۳/۷۷ مترمربع پلاک ۱۷۵۳ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶۳۳ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای غلامعلی افغان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۱۲
م الف ۱۲۴۹۹
حمیده عباسیان
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی فقدان سند مالکیت

ششدانگ پلاک ۹۶۲۷۹ فرعی از ۱- اصلی واقع در بخش ۹ تبریز برابر دفتر الکترونیکی ۱۴۰۴۲۰۳۰۴۱۷۲۰۳۳۹۲۲ بنام رسول رضازاده جیقه ثبت و سند چاپی ۹۶۵۳۱۸ سری هـ/۰۴ صادر و تسلیم گردیده است و مالک با ارائه استشهاد محلی بشرح نامه وارده به شماره ۱۴۰۵۲۱۷۰۴۱۷۲۰۱۱۴۰۵ مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۲۱ مدعی مفقودی سند مالکیت اولیه به چاپی ۹۶۵۳۱۸ سری هـ/۰۴ بعلت جابجایی شده و تقاضای صدور سند المثنی نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت دریک نوبت آگهی میشود هر کس ادعائی نسبت به وجود سند مالکیت یا انجام هر گونه معامله نزد خود را داردمیتواند اعتراض خود را کتبا" به مدت ده روز پس از انتشار آگهی به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است پس از انقضای مدت قانونی نسبت به صدور سند المثنی اقدام خواهد شد وبه اعتراضات وارده در خارج از مدت ترتیب اثر داده نخواهدشد.
تاریخ انتشار : ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
شناسه آگهی: ۲۲۴۰۶۸۲
حسین کرمی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه شرق تبریز
از طرف سیامک پدرام نسب

آگهی تحدید حدود اختصاصی

حسب درخواست مالک تحدید حدود ششدانگ یکباب ساختمان از محل جوی متروکه به شماره پلاک ۷۲۹ فرعی از ۳۲۲۲- اصلی بخش ۱۲ واقع در اراضی شهر (دیلمقان) حوزه ثبتی شهرستان سلماس ملکی آقای ولی علی‌زاده آغ‌اسمعیلی فرزند علی‌بابا در روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ راس ساعت ۱۰ صبح مطابق ماده (۱۴) قانون ثبت شروع و به عمل خواهد آمد. بدینوسیله به کلیه صاحبان املاک مجاور و صاحبان حقوق ارتفاقی اخطار می‌گردد تا در موقع تعیین شده در محل حضور بهم رسانند. اعتراض مجاورین و صاحبان حقوق ارتفاقی که در موعد مقرر در محل حاضر نباشند مطابق ماده (۲۰) قانون ثبت تا (۳۰) روز از تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و مطابق ماده (۸۶) آئین‌نامه قانون ثبت معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت و یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. اداره ثبت بدون توجه به اعتراض، عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه می‌دهد. توضیحاً اینکه در صورتیکه روز تحدید حدود مصادف با تعطیلی گردد عملیات تحدید حدود در همان ساعت مندرج در آگهی و در اولین روز کاری بعد از تعطیلی با رعایت مواد قانونی فوق‌الاشاره صورت پذیرد.
زمان انتشار: روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
شناسه آگهی ۲۲۳۸۱۷۶
جوادی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک سلماس

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۱۲۰۱۲۰۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۳/۳۰ قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی شیما زرین بخش فرزند غلام رضا به کد ملی ۰۳۲۰۲۲۷۸۶۲ در ششدانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۱۱۳۴ متر مربع از مالکیت لطف اله امین رنجبر نسبت به پلاک ۸۴ اصلی برابر سند شماره ۱۱۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۵ دفتر خانه ۶۱۵ تهران ذیل دفتر ۲۶ صفحه ۲۳۲ ملک واقع در سرخاب حوزه ثبتی ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای صادر گردیده. لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند بدیهی است در صورت انقضا مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد . ۲۲۲۸۶۹۵
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۲ /۱۴۰۵/۰۵
بشیر نعیم زاده_ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی فقدان سند مالکیت پلاک ۳۷۶۸/۱۱۷۱ واقع در بخش دو بوشهر

آقای رضا چاهی بخش بموجب نامه شماره ۱۳۴۳-ص مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۳ بعنوان نماینده شرکت شهرکهای صنعتی بوشهر سهامی خاص با تسلیم استشهاد محلی مدعی است یک جلد سند مالکیت ششدانگ یکقطعه زمین پلاک ۳۷۶۸/۱۱۷۱ واقع در بخش دو بوشهر که در صفحه ۱۴ دفتر۶۷۹ به شماره ذیل ۸۳۶۲۵ بنام شرکت شهرکهای صنعتی بوشهر سهامی خاص صادر و تسلیم گردیده و طبق سند ۶۹۰ مورخ ۱۳۸۹/۰۸/۰۲ دفتر ۱۰۱ بوشهر نزد بانک ملی در رهن است و بموجب نامه شماره ۱۳۹۹۰۳۹۰۰۱۱۴۶۲۹۲ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۸ شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان بوشهر در قبال مبلغ ۶/۸۳۰/۵۲۹/۱۸۸ ریال ذیل ۱۴۳۸ بازداشت میباشد و به علت جا به جائی مفقود شده است و در خواست صدور المثنی سند مالکیت را نموده لذا مراتب طبق اصلاح تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئینامه قانون ثبت اعلام میشود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای نموده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد تا ده روز پس از انتشار این آگهی به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه سند مالکیت و یا سند معامله تسلیم نماید چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود المثنی سند طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد.
تاریخ انتشار آگهی:۱۴۰۵/۰۵/۱۲
شناسه آگهی ۲۲۴۲۵۳۲
شکراله سعادتی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

شماره های تماس جهت درج آگهی در روزنامه جمهوری اسلامی:

۷۷۶۴۴۴۱۰-۷۷۶۴۴۴۱۱
نمابر: ۷۷۶۴۴۴۱۲

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای احمد فخیره باستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضاء شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۲۹ زاهدان رسیده مدعی است که سند مالکیت ششدانگ به شماره چاپی ۵۷۹۳۵۰ سری و سال ۰۰ با پلاک ۱۴۰۵۱/۲۲۷۱۰- اصلی واقع در بخش یک بلوچستان شهر زاهدان خیابان دانش بعلت جابجایی از بین رفته درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین‌نامه ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می‌باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله باین اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.
م الف ۴۱۱۵
شناسه آگهی ۲۲۴۲۹۸۴
غلامرضا نورا
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو زاهدان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۱۳۲۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۲ هیات سوم متقاضی آقای شاهرخ داوری به شناسنامه شماره ۱۲۰۷ کد ملی ۱۲۹۱۰۴۵۵۵۴ صادره فرزند عباس نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب سوله (ساختمان) پلاک ۱۲۲۰ فرعی از ۴۱۲ اصلی واقع در بخش ۱۶ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان به مساحت ۱۹۲.۳۶ متر مربع مورد درخواست در دفتر الکترونیک شماره ۱۴۰۰۲۰۳۰۲۰۲۶۰۰۱۶۰۷۹ به نام متقاضی سابقه ثبت و صدور سند مالکیت مشاع دارد
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۱۳۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۲ هیات سوم خانم هاجر حاجی حیدری ورنو سفادرانی به شناسنامه شماره ۱۱۳۰۰۲۵۷۸۰ کد ملی ۱۱۳۰۰۲۵۷۸۰ صادره فرزند فتح اله نسبت به ۱/۵ دانگ از ششدانگ یکباب سوله (ساختمان) پلاک ۱۲۲۰ فرعی از ۴۱۲ اصلی واقع در بخش ۱۶ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان به مساحت ۱۹۲.۳۶ متر مربع مورد درخواست در دفتر الکترونیک شماره ۱۴۰۰۲۰۳۰۲۰۲۶۰۰۱۴۴۷ به نام متقاضی سابقه ثبت و صدور سند مالکیت مشاع دارد
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۱۳۱۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۲ هیات سوم متقاضی آقای حسین کوچکی ورنوسفادرانی به شناسنامه شماره ۱۰۸۰۱ کدملی ۱۱۴۲۳۳۲۸۶۱ صادره فرزند احمدرضا نسبت به ۱/۵ دانگ از ششدانگ یکباب سوله (ساختمان) پلاک ۱۲۲۰ فرعی از ۴۱۲ اصلی واقع در بخش ۱۶ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان به مساحت ۱۹۲.۳۶ متر مربع مورد درخواست در دفتر الکترونیک شماره ۱۴۰۰۲۰۳۰۲۰۲۶۰۰۱۶۰۷۹ به نام متقاضی سابقه ثبت و صدور سند مالکیت مشاع دارد). لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۵/۲۷
شناسه آگهی ۲۲۴۰۰۰۵
حسین زمانی علویجه رئیس ثبت اسناد و املاک